



## کرامیه در «مجالس بیهق» و چند منبع دیگر

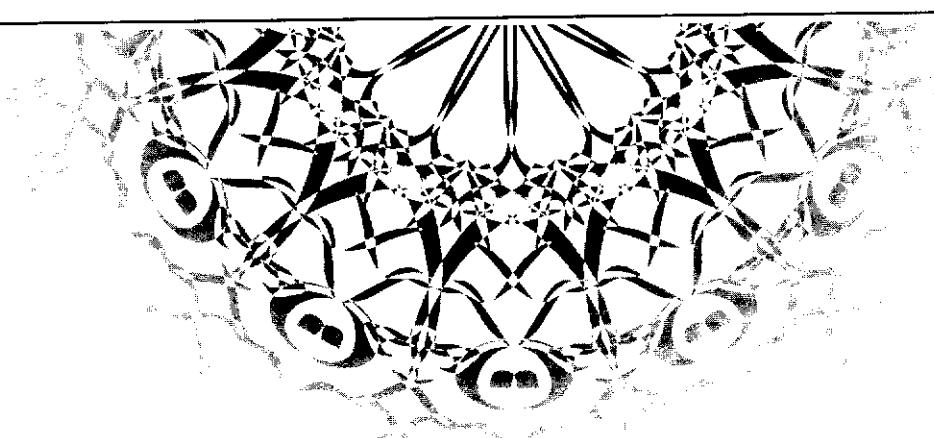
پدیدآورده (ها) : انصاری قمی، حسن  
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه دین :: اردیبهشت 1380 - شماره 43  
از 78 تا 81  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/33594>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان  
تاریخ دانلود : 10/11/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشтар و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانين و مقررات استفاده](#) از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



# کرامیه در «مجالس بیهق» و چند منبع دیگر

○ حسن انصاری قمی

زیدی قرن ۵ ق خراسان، یعنی حاکم چشمی تشکیل می‌دهد. وی در چندین کتاب و از جمله سه کتاب برجسته شرح عیون المسائل، رساله ابلیس (به چاپ رسیده است) و جلاء الابصار درباره کرامیه قلم زده است. اطلاعات کرامیه کتاب نخست در مقاله فان اس مورد بهره‌برداری قرار گرفته و ما در شماره‌ای دیگر عنین متن حاکم چشمی را براساس نسخه خطی جامع کبیر صنعت نقل خواهیم کرد؛ اما درباب کتاب جلاء الابصار باید گفته که این کتاب مجموعه‌ای است از شصت مجلس درس حاکم و بیشتر در جامع قصبة چشم (بیهق) و عموماً در روزهای جمعه در میان سالهای ۳۷۸ و ۴۸۱ ق و چنین پیداست که این مجالس درس او بیشتر صورت عمومی داشته و فراتر از درس‌های فنی وی در علم کلام و تفسیر و غیره بوده و شاید حتی مخاطبان عامتری نیز داشته است، چرا که در هر مجلسی، این‌چند حدیث به سند متصل از مشایخ خود نقل می‌کند و آنگاه در بی هر حدیث درباره آن به بحث می‌نشینند و سپس یک موضوع علمی را خاصتاً در مباحث کلامی مطرح می‌کند و عموماً در پایان هر مجلس اشعاری را به نقل از شعرای نامدار و در غالب موارد با ذکر سند بیان می‌کند. این کتاب نمونه‌ای است بدیع از مجالس درس یک عالم برجسته که او را حاکم و شیخ‌الاسلام

از آنجا که مقاله دوست فاضل جناب آقای رحمتی سیرجانی حاوی اخیرین اطلاعات در باب کرامیه است، مناسب دیدم در این یادداشت کوتاه، چند مأخذ دیگری را نیز درباره کرامیه معرفی کنم، تا مورد بهره‌برداری پژوهشگران این بخش از تاریخ فرق و مذاهب اسلامی قرار بگیرد. این بندۀ ناچیز خداوند از دو سال گذشته یادداشت‌هایی درباره کرامیه فراهم کرده که شامل معرفی چند کتاب کرامی نویافته و بررسی نظام عقاید آنان براساس منابع شناخته شده و نویافتۀ ارزشمند درباب آنان است. کوشش‌های جناب دانشمند محترم استادم دکتر شفیعی کدکنی و جناب رحمتی پس از مطالعات غربیان و از همه مهمتر تلاش اسلام‌شناس برجسته یوزف فان اس، به عنوان مطالعات ایرانی کرامی شناسی می‌باید مورد توجه قرار گیرد و من می‌کوشم با بهره‌گیری از این مطالعات غربی و ایرانی، به امید خداوند یادداشت‌های خود را درباب کرامیه، یکی در نشر دانش از این دو یادداشت از نویسنده این سطور درباب کرامیه، یکی در نشر دانش و دیگری در نشریۀ کتاب ماه دین به چاپ رسیده بود که در مقاله جناب آقای رحمتی به آن دو مقاله ارجاع داده شده است.

۱ - یکی از مهمترین منابع درباره کرامیه را گفته‌های مؤلف معترضی و



سقراط خامد می‌گوید: **لَمْ يَسْتَعِفْ مُحَمَّدٌ عَنِ الْمُهَاجَرَةِ إِذْ أَنْتَ مُهَاجِرٌ**  
 این بدم البر من صوره طلاق و خسته و قتل و قلصاً للبيه  
 یوم بدتر فاعظیه علیکما بمعنه الارقاء کان مع الجیش و من المنس  
 رهان مع زیر علیهم السلام پنهان و زده نتمد و المصول و داد  
 الوجاج که رخانه اوس پنهان پنهان طرقه والمرخن  
 والبعضون بجوده العقاب که الشک است و قدره العضا و المضر  
 والضي که حمانه لعنة (بدر احمد) هامله سکر  
 المغوفین و دعوا الى علم و کار و کیما الحسن و الحتر و خلیل الحسن  
 تمحیره عصمت و قلصه و کاملاً است مصلحته کاماً است  
 محمد و احمد و رسول الله که شیخ الدین و الماجد و الفاجر و المات  
 و المزمن و المذموم و المکرم الشاهد و الشیخ و الدین و الداعی  
 و المذاج و حام للشیخ و المقطفع و المذموم و المذموم و المذموم  
 و قرن الحمد و المختار و المتفق و المکتبه او الشیخ و ولی الحمد  
 علیه السلام کنانه ما و ایشیم کافی اللہ علیه و اللہ علیها  
 و ایشیه و ایشیه  
**الْجَمِيرُ أَصْحَاحٌ عَبَادٌ وَالْعَمَدُ حِرَّ الزَّرَهُ**  
 اذن: بطریعی عالم ایشیه  
**أَنْفَرُ جَلْدِهِ كَلْخَنْهُ وَأَرْسَى النَّبَوَةَ وَالْوَصِيَّةَ**  
 رحمة الله لمصر العقبه  
 اذ افتقر المعلم و ماعلى ملته منها ما ارسل  
 نصیحته ایشیه ایشیه ایشیه  
 و صلی الله علی احمد حمزه الزبر و ایشیه ایشیه ایشیه  
 ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه  
 ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه  
 ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه ایشیه

حسن بن موسی التوبختی، عالم و متكلم نامدار بدن تویخت که بسیار مقتضی  
 است (ص ۱۲۴ به بعد): (۱۷) نقل حدیثی از کتاب بسیار مهم و مفقود  
 نوادر الحکم از اشعری قمی خاصه در باب تشییه و هشام بن حکم (ص ۱۲۵): (۱۸) اذ ایشیه  
 نقل قول از کتاب الایضاح شیخ غیبد (ص ۱۲۵): (۱۹) اظهار نظر معتزله  
 درباره عالم ذر و اخراج ذریه از ظهر آدم (ص ۱۴۰): (۲۰) نقل از کتاب التفت  
 ابوعلی سلامی (ص ۱۵۲): (۲۱) نقل مکرر تأویل احادیث از کتاب ابوعلی  
 جیانی (از جمله در ص ۱۶ و موارد بسیار دیگر): (۲۲) نقل از شریف  
 مرتضی در باب تأویل و شرح احادیث (ص ۱۶۲ و موارد دیگر): (۲۳) نقد  
 تندابوعلی جیانی از معاویه و زید (ص ۱۶۸ و موارد دیگر): (۲۴) نقل کتاب  
 مائة کلمة جاظح با سند متصل که این نسخه حائز اهمیت بسیار است (ص  
 ۲۰۳ به بعد): (۲۵) بررسی عقاید و آراء مشایخ معتزله (از جمله در ص ۲۳۲  
 به بعد): (۲۶) نام بردن از آثار ابن الرواندی و ابو عیسی و راق و اطلاعات  
 جالبی درباره آن دو و کسانی از معتزله که بر کتابهای این دو نقض نوشته اند  
 (ص ۲۴۲): (۲۷) شرحی درباره ابوعلی جیانی حاوی اطلاعات مهم (ص  
 ۲۲۳-۲۲۲): (۲۸) جوابیه مؤید بالله هارونی به قصیده این سکرہ هاشمی  
 (ص ۲۶۵-۲۶۶): (۲۹) مصاحبیت این ایشیه دزاد، معتزلی نامدار با علی بن

خوانده اند، در قرن ۵ ق در خراسان و آن هم از شهر بیهق، مجلس اول در  
 تاریخ روز جمعه ۱۳ رمضان ۴۷۸ ق است و تقریباً به ویژه در یکی دو سال  
 اول هر هفته این مجالس ادامه داشته است، حاکم در این کتاب از مشایخ  
 خراسان (نیشاپور) و خاصتاً دو استاد خود یکی ابو حامد احمد بن محمد بن  
 اسحاق النجار و دیگری قاضی القضاط ابومحمد عبدالله بن الحسین بیشتر  
 روایات را نقل کرده و ما در مقاله ای دیگر که درباره حاکم چشمی به تفصیل  
 نوشته ایم و انشاء الله در شماره بعد کتاب ماه دین به چاپ خواهد رسید،  
 درباره این دو تن و دیگر مشایخ وی سخن به میان آورده ایم، این کتاب در  
 ضمن می تواند نمایی کلی از وضعیت علم آموزی در خراسان (بیهق و  
 نیشاپور) قرن ۵ ق از ارائه دهد، حاکم در این مجلس که احتمالاً به روایت  
 فرزندش حاکم محمد به دست ما رسیده (نک: ص ۱۵۹ و موارد دیگر)،  
 خاصتاً به نقد و یا تأویل و یا شرح و تفسیر اخبار و احادیث پرداخته و در مورد  
 احادیش که به نظر وی (که طبعاً دیدگاهی معتزلی و با گرایش جهشی  
 است)، نیازمند تأویل است، از این کار غافل نبوده است، بنابراین این کتاب  
 نمونه ای است کهنه و بدین از تأویل اخبار و احادیث به شیوه معتزلی که  
 البته نمونه های آن گرچه بصورت پراکنده نیز اند است، اهمیت آثار  
 تفسیری و کلامی و حدیثی حاکم چشمی از این نکته روش منشی شود که  
 وی پیش از مختری معتزلی بوده و چنانکه پیداست مختری از او متأثر  
 بوده است، وی در شرح احادیث همه جا می کوشد گواهی برای تأیید  
 گفته های مشایخ معتزلی خویش و از همه مهمنتر ابوعلی و ابوهاشم جیانی  
 از میان احادیث بدست دهد، از جمله نکات مهم این کتاب اینهایست:  
 ۱) قبول اصل مهدویت و نقد عقیده به امام غایب از سوی امامیه (ص ۲۹-۳۰): ۲) ملاقات حسن ناصر کبیر اطروش با امام عسکری (ع) و مصاحبیت  
 با آن حضرت و رد عقیده به وجود امام دوازدهم (ع) از سوی ناصر (ص  
 ۳۰): ۳) نقل فناوی الهادی الى الحق، پیشوای زیدیه یعنی در کنار فناوی  
 ابوحنیفه و شافعی (ص ۵۴ و بسیاری موارد دیگر): ۴) بحث درباره عقیده  
 برخی از شیعیان (واز جمله امامیه) به عدم اعتبار رویت در آغاز ماه رمضان  
 و عقیده به عدد (و حساب) در میان آنان (ص ۶ به بعد)، ما در این باره  
 قریب چند سالی است که مطالعاتی را سامان داده ایم که امیدوارم به زودی  
 پایان پذیرد: (۵) روایت او با یک واسطه (ابوالقاسم محمد بن محمد بن مهدی  
 حسني) از امام الناطق بالحق ابوطالب هارونی، از امامان زیدی شمال ایران  
 (ص ۸۱ و موارد دیگر): (۶) بحثی درباره اختلافات گروههای محکمه (از  
 ص ۹۴ به بعد): (۷) بحث درباره مناهب غلات و مفوضه و عبدالله بن سیا  
 و قتل غالی معروف فارس بن ماهویه (ص ۱۱۰ و ۱۱۱): (۸) نقدی بر  
 اسماعیلیه و قرامطه و شرحی از عقاید قرامطه و باطنیه (ص ۱۱۱-۱۱۰): (۹)  
 نظرگاه ابوعلی جیانی درباره عبدالله بن سیا (ص ۱۱۱): (۱۰) عقاید  
 امامیه به روایت چشمی (ص ۱۱۲-۱۱۱): (۱۱) نقش هشام بن الحکم و  
 ابو عیسی و راق در ایجاد مذهب امامیه (ص ۱۱۲): (۱۲) بررسی عقاید  
 نجاریه، اشعریان و اصحاب حديث (ص ۱۱۳-۱۱۲): (۱۳) انتساب تفکر  
 معتزله به اهل بیت علیهم السلام (ص ۱۱۸-۱۱۷): (۱۴) نقل اشعار بسیاری  
 از صاحبین عباد و دیگر مشاهیر قرنهای ۴ و ۵ (از جمله ص ۱۲۰ و موارد  
 بسیار دیگر): (۱۵) بررسی عقاید مشبهه (از ص ۱۲۲ به بعد و از ص ۱۴۶  
 به بعد): (۱۶) نقلی مفید درباره هشام بن الحکم از کتاب الاراء والدینات

## قال الناصِرُ الْكَرَمُ عَلَى السَّلَامِ

أَنْدَلَتْ لَهُنَّ تَعْرِيفُهُ وَخَلَقَ أَوْسَطَهُ لِلْفَارَقِ فَلَمَّا كَانَ عَلَيْهِ عَبْدُ الْكَرَمِ  
كَانَ قَدْ وَلَدَ لَهُ بِدِسْنَهُ مِنْ إِنْذِ اللَّهِ وَهُدَى فَلَمَّا كَانَ فِي الْهَادِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَجْهُهُ وَضَلَّلُوهُ عَلَى مُهَرَّبِ الْمَدَادِ

كتاب الشجرة خود (باب الشيطان) ضمن أن كه آنان راضمن فرق مشبهه ياد می کند می نویسد: «الفرق الثالثة الكراميةه نسبوا الى محمدين كرام السجستانی قالوا: ان الله جسم ملاصق للعرش و انه يربى في الآخرة و ان القرآن غير مخلوق و كان محمدين كرام رجلا يظهر التقشف والزهد ويزعم انه متوكل على الله وقد كان هم ان يدخل البادية مع عدة منتبعه بالازد ولاماء ولا ظهر، فمنعه السلطان عن ذلك و جسمه و قال: هنا يهلك نفسه و هولاء المساكين فواجب علينا منعه والأخذ على يده. وقالت الكراميةه: ان النبي صلى الله عليه و آله لم يكن بحجة و ذلك انه مات و حجة الله لا تموت. و زعموا انه ليس فيما بيننا كلام الله والقرآن حكاية كلام الله و الحكاية هو غير المحكي و زعموا انه ليس في قلب احد من الاولاء والأنبياء والمؤمنين ايمان بالله و ذلك ان الایمان عند الله القول دون المعرفة والتصديق وسائر الطاعات، وليس محل القول القلب و إنما محله اللسان و قالوا: ان المنافقين مومنون بالحقيقة و قالوا في افاعيل العباد على مثل افويل التجاربة. و لهم عجائب قد تفروا بها. من هنا انهم قالوا: لا تجوز المرأة لمن وطء امهاء و منها انهم اجازوا لاصحابهم اذا ناظروا المخالفين فيطلب خصمهم منهم حدثياً عن النبي - صلى الله عليه و آله - حذو قولهم ان يضعوا الحديث اختراعاً منهم في ذلك و يسندوه إلى النبي صلى الله عليه و آله و حجه في ذلك زعموا ان مذهبهم حق و ان النبي صلى الله عليه و السلام كان يقول الحق و يدعوا اليه فإذا رأوا عنه صلى الله عليه و آله انه قال كذا و كذا مما يعتقدونه فقد صدقوا. و قالوا: ان الناس يخشون في بيت المقدس و ان رئيسهم محمدين كرام قد جمع من خراسان و نواحيها اكثر من خمسة الاف اهل بيته فنقلهم الى بيت المقدس ثم ان الخلق يخشون اليها، فإذا انتقلوا اليها اليوم كان اهون عليهم يوم القيمة و اقرب الى الحشر. قالوا ان المعرفة خلقها الله في قلوب عباده و لم يخلقها في قلوب بعضهم و أنها عطية الله عزوجل لا يطبق العباد كسبها. و زعموا ان الاستطاعة قبل الفعل» (نك: ابوتمام، باب الشيطان من كتاب الشجرة، به كوشش مادلونگ و اکر، انتشارات بریل، لیدن ....، ۱۹۹۸، ص ۵۴-۵۶).

۳ - مؤلف اباضي مذهب که احتمالاً در قرن ۵ ق می زیسته و کتابش از منابع شهرستانی در الملل والتخل است، يعني ابوسعید محمدين سعيد از دی قلهاتی در كتاب الكشف والبيان از کرامیه در میان فرق صفاتیه ياد می کند و می نویسد: «الكرامية اصحاب محمدين كرام، كان يثبت الصفات و ينفي فيها الى التجسيم والتشبیه و نص ان معبوده على العرش استقر استقراراً و اطلق اسم الجوهر عليه و جوز عليه الانقال والتحول والزووال و من قوله انه خلق ادم على صورته و انه استوى على العرش و انه يحيى يوم القيمة لمحاسبة الخلق، والإيمان عنده اقرار باللسان فقط دون التصديق بالقلب و دون سائر الاعمال و الامامة عنده ثبت بالاجماع دون النص والتبعين على قول اهل الاستقامة».

وی سپس به عنوان فرقه بعدی از هیصمیه (از فرق کرامیه) ياد می کند: «الهیصمیه: اصحاب محمدين الهیصمی، كان يقول ان بين معبوده و بين العرش بعداً لایتاهی و انه مباین للعرش بینوتة از لیه و نفی عن معبوده الحیز والمحاذاة وثبت الفوقة والمباینه و اطلق لفظ الجسم عليه جل و علا عن قوله علواً كبيراً و لهم اختلاف في النهاية من جهة و منهم من انكر النهاية فقالوا هو عظيم و لهم في عنى الظمة اختلاف تعالى الله عما يقولون علواً كبيراً. زعم ابن الهیصم ان الذي اطلقته المشبهة على الله سبحانه و تعالى من الهيئة والصورة والجوف والاستدارة والوفرة والمصالحة

میشم، متكلم امامی و اینکه این میشم او را به قول امامیه فراخوانده بود ولی او از پذیرش اعتقاد امامیه تن زد و سپس معترض شد (ص ۲۸۰؛ ۳۰) نظر تند ابوعلی جباری نسبت به محاربين با حضرت امیر (ع) و حسنین (ع) (ص ۳۰۹-۳۰۸)؛ (۳۱) اعتقاد حاکم جشمی در باب فضیلت شیخین (ص ۳۵۷).

كتاب جلاءالابصار جز چند صفحه‌ای از آن (توسط ویلفرد مادلونگ در كتاب اخبار ائمه الزیدیه و آن هم بر اساس گزیده احمدین سعیدالدین مسوري از آن)، تاکنون به چاپ نرسیده و ما بر اساس نسخه عکسی موجود در کتابخانه میراث اسلامی قم این اطلاعات را نقل کردیم.

حاکم جشمی در همین كتاب چنانکه گذشت درباره کرامیه سخن گفته (ص ۱۱۳) و اطلاعات جالبی را عرضه کرده است، از جمله این که درباره متكلم معروف کرامی (ابن هیصم) و عقيدة تکافو ادله او و اشعاری از وی اطلاعاتی عرضه کرده است که البته در شرح العيون تفصیل آن مطرح شده است. انشاء الله در مقاله‌ای دیگر دو بادداشت حاکم را به نقل از شرح العيون و جلاءالابصار درباره کرامیه عیناً نقل خواهیم کرد.

۲ - ابوتمام اسماعیلی، نویسنده قرن ۴ ق خراسان در باب کرامیه در

في العبادة، وكان يقول: إن الإيمان قول باللسان دون اعتقاد القلب و عمل الجواح. فمن أقر بلسانه فهو مومن حقاً و أن اعتقاد بقلبه ما شاء من الشرك و جحدوا العبادات و زعموا أن المنافقين كانوا مؤمنين في الحقيقة و هو ضد اعتقاد الجهمية و يحكي أن محمدين كرام لما خرج من نيسابور، خرج معه ثمانى مائة كتبية من جل الناس غير المتنزع و كان هو و أصحابه يلبسون البرانس والمسابح في أيديهم فلم يقدم ذلك على قتله<sup>(؟)</sup> و نفى إلى بيته المقدس و مات هناك، و يقال: إن الكور الذي فيه مذهب الكرامية خاصة: المشرق و ناحية المغرب و ناحية خراسان، فالحضر من تلبيسهم<sup>(ن)</sup>: عباس بن منصور السكسي، البرهان في معرفة عقائد أهل الاديان، به كوشش خليل احمد ابراهيم الحاج، قاهره، دار التراث العربي، ق / ١٤٠٠ م، ص ١٨). همو در باب مهاجرية نيز می نویسد: «و اما فرقه المهاجرية فانهم ايضاً يقولون بالتجسيم و ان الله تعالى جسم لا كالاجسام و ان الانبياء غير معصومين من الخطأ والمعاصي كالزنا والسرقة و غيره الاكذب في تبليغ الرسالة فانه لا يجوز عليهم و قالوا: ان الله تعالى لا يوصى بالقدرة على غير مخالف و انه لا يقدر على افشاء خلقه حتى لا يقى وحده و لهم حماقات كثيرة - تعالى الله عن قولهم علوا كبيراً» (ص ٢١-٢٢).

روشن است که سکسکی به کتاب الفرق والتواریخ ابو محمد یمنی نیز نظر داشته است. سکسکی ترمی خود از منطقه ترمی حضرموت (یمن) بوده است.

٦ - نویسنده یمنی عصر رسولی (٨٤٥-٦٢٦ ق) یعنی علی بن محمدين عبدالله الفخری (قون ٩ ق) در کتاب تلخیص البيان في ذکر فرق اهل الادیان در باب کرامیه می نویسد (در میان فرق مرجه): «الكرامية اصحاب محمدين الكرام أحد شيوخهم و مصنفى كتبهم و عظامه رؤسائهم؛ كان يقول بالتجسيم والتتشبيه اخراز الله تعالى، انفرد هو و فرقته بقولهم الايمان هو القول باللسان دون التصديق بالقلب فكل من تعلق بالشهادتين بقلبه (بلسانه) و ان لم يصدق بقلبه فهو مومن و قوله هنا نقيس قوله الجهمية والكل باطل و ضلال اخراهم الله تعالى و زعموا ان المنافقين كانوا مؤمنين على الحقيقة فخالفوا قول الله عزوجل و هو يكتبهم صريحا بقوله (اذا جاءكم المناافقون قالوا نشهد انك رسول الله والله يعلم انك رسول الله و الله يشهد ان المناافقين لکاذبون). و خالفوا قوله عزوجل (ولاتصل على احد منهم مات ابدا و لاتقم على قبره انهم كفروا بالله و رسوله و ماتوا و هم فاسقون) (ص ٣٣٥). درب مهاجرية نيز می نویسد: «المهاجرية اصحاب مقابل بن سليمان (؟) من قولهم ان الله تعالى صفتة كصفة الانسان لحم و دم قاتلهم الله تعالى و اخراهم و قالوا لا يوصى الله عزوجل بالقدرة و هذا مذهب الكفار من الفلاسفة الباطنية و من واقفهم من طوائف الكفر الذين جعلوه عزوجل غير مختار لغفل بل علة لوجود ماسوه و قالوا تجوز الكبار على الانبياء عليهم السلام الا الكذب» (ص ٣٦٥ : نک: على بن محمدين عبدالله الفخری، كتاب تلخیص البيان في ذکر فرق اهل الادیان، نسخة فاسیمیله براساس نسخة منحصر به فرد، به کوشش بروزوروف، موسکو، ۱۹۸۸ م). چنان که پیداست اطلاعات این کتاب نیز براساس الفرق والتواریخ ابو محمد یمنی تنظیم شده است، خاصه که می دانیم الفخری خود یمنی بوده است.

والمعانقة لا يشبه ما اطلقته الكرامية و جوز ابن الهیصم عقد الامامة لامامین في قطر واحد و غرضهم اثبات الامامة لمعاوية بن ابی سفیان و رأوا تصویب معاویة فيما استحدثه من الاحکام والامامة و طلبه بدم عثمان و اصل مذهبهم انهم على بن ابی طالب في عثمان و من فقهائهم مضر و کهمش و احمد الجهنی اجازوا على ربهم الملایسة والمصاحفة و ان من المخلصين من يعافنه في الدنيا والآخرة اذا بلغوا في الاجتہاد والرياضة و منهم من جوز عليه الرؤیة في الدنيا و انه يزورهم و يزورون و حکی عن داود الجوزلی (جواربی) انه قال اغفوني عن الفرج واللحیة و اسألونی عما وراء ذلك جل الله عن قوله و علا علوا كبيراً و قال ان عمبوده جسم و لحم و دم و له جوارح و عظام و يدو و رجل و رأس و عینان و اذنان و مع ذلك لا هو جسم كالاجسام و لا لحم كاللحم و لادم كالدماء تعالى الله و تقدس عن صفات خلقه ليس كمثله شيء و هو السميع والبصير» (نک: ابوسعید محمدين سعیدالازدی، الفرق الاسلامیة من خلال الكشف والبيان، به کوشش محمدين عبدالجلیل، الجامعة التونسیة، مركز الدراسات والابحاث الاقتصادیة والاجتماعیة، تونس، ١٩٤٨ م، ص ١٥٥-١٥٦). بخش پایانی گفتار وی در باب هیصمیه تفسیری است از عقاید عام مشبهه و از جمله عقاید داود جواربی و احمد الجهنی و غیره.

٤ - ابومحمد یمنی (زنده در ٥٤٠ ق) در کتاب الفرق والتواریخ خود که با عنوان عقائد الثلاث والسبعين فرقه، چاپ شده (در ٢ جلد)، کرامیه را در میان فرقه مرجه قرار داده و می نویسد: «و اما فرقه الكرامية اصحاب محمدين کرام أحد شيوخهم و مصنفى كتبهم، فأنهم خالفوها الجهمية بأن قالوا: الإمام هو القول باللسان دون المعرفة بالقلب، فمن نطق بلسانه و لم يترک بقلبه فهو مومن، و زعموا أن المنافقين كانوا مؤمنين بالحقيقة و هذا خلاف قول الله تعالى أذ يقول و قوله الحق: (إذا جاءكم المناافقون قالوا نشهد انك رسول الله و الله يعلم انهم ساء ما كانوا يعملون) نشهد انك رسول الله و الله يعلم انك رسول الله و الله يشهد ان المناافقين لکاذبون، اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبیل الله انهم ساء ما كانوا يعملون) فالحضر منهم» (نک: ابو محمد المینی، عقائد الثلاث والسبعين فرقه، به کوشش محمدين عبدالله زربان الغامدی، مدینه، مکتبة العلوم والحكم، ١٤١٤ ق، ٢٧٥/١). همو در باب فرقه مهاجرية (از جمله فرق مرجه) می نویسد: «و هذه فرقه المهاجرية لم يقع لی ايضًا اسم شیخهم فاذکرها، قالوا بالتجسيم كما قال المقاتله و انفردوا بأن قالوا: يجوز على الانبياء عليهم السلام فعل الكبار من المعاصي الا الكذب، قالوا ايضًا: لا يوصى الله تعالى بالقدرة و هذا خلاف الشرع و قوله تعالى: (ان الله على كل شيء قادر) فالحضر منهم» (٢٩٢/١). مهاجرية منسوب به ابراهیم بن مهاجر از فرق کرامیه اند (نک: المنصور بالله عبدالله بن حمزه الشافی، ١٣٣-١٣٤). نقل از شرح العیون حاکم جیشمی.

٥ - ابوالفضل عباس بن منصورین عباس الترمیي السکسکی شافعی (د ٦٨٣ ق) در البرهان في معرفة عقائد اهل الادیان در میان فرق مرجه می نویسد: «و اما الكرامية فهم اصحاب محمدين کرام أحد شيوخهم و مصنفى كتبهم مع انه كان عامياً لا يقرأ ولا يكتب، بل كان يملی ذلك على اصحابه افتراض من بنات بطنه و هم يكتبون عنه ما يسمعونه منه و هو من نواحي سجستان و كان يتبعه و يظهر الزهد والتتشف والتقلل من الدنيا و كذلك اصحابه الى اليوم في خراسان و غيرها - على ما ذکروا - و اکبر ظهورهم فيما تقدم في نیسابور و اعمالها و بیت المقدس و منهم طائفة قد عکموا على قبره هنک و مال اليهم من العامة خلق کثیر لاجتہاد هم